

دریای بی‌پایان هفتم

هفت را دوست دارم. عدد هفت را و هر چیز هفت‌تایی را.



هفت را دوست دارم. عدد هفت را و هر چیز هفت‌تایی را.

هفت روز هفته و هفت رنگ رنگین‌کمان را هم. و این روزها امام هفتم را در روز شهادتش به یاد می‌آورم. امام هفتم، موسی‌بن جعفر که به امام کاظم مشهور شده است.

نوشته‌اند که امام هفتم دارای قامتی معتدل بود. صورتش نورانی و گندم‌گون و مویش سیاه رنگ و انبوه بود. نوشته‌اند که از شدت عبادت و سخت‌کوشی به «عبدصالح» معروف شد، یعنی بنده «درست‌کار خدا که هوای آدم «های فقیر را هم داشت، طوری که بعضی از فقرای مدینه او را شناخته بودند اما بعضی از آنها تازه پس از تبعید آن حضرت از مدینه به بغداد فهمیدند که او چه کسی بود.

نوشته‌اند که قرآن خواندن را دوست داشت، طوری که مردم در اطراف خانه‌اش جمع می‌شدند. کسانی هم بودند که به او بد می‌گفتند و او با مهربانی با آنها روبه‌رو می‌شد. اصلاً این لقب کاظم از همین‌جا پیدایش شد.

می‌دانید که؟ کاظم یعنی فروخورنده خشم.

جمله مهمی هم در این زمینه از امام هفتم روایت شده که «حق را بگو، اگرچه آن حق‌گویی موجب هلاک تو باشد.» درباره «این امام، جمله «شاعرانه‌ای هم از یکی از بزرگان زمانه نقل شده به این مضمون که «موسی بن جعفر را دریایی بی‌پایان دیدم که می‌جوشید و می‌خروشید و بذرهای دانش به هرسو می‌پراکند.»